

حسن رجبی فرد

استبداد منور

در مطبوعات ایران (۱۲۹۶-۱۳۰۴)



فهرست مطالب

۷.....	مقدمه.....
۸.....	مفاهیم تحقیق.....
۱۱.....	فصل اول: ریشه‌های پیدایش اندیشه استبداد منور.....
۱۶.....	دوران پادشاهی ناصراًلملك.....
۱۶.....	روزنامه آفتاب و دولت مقتدر.....
۲۳.....	نهضت‌های مشروطیت خواه.....
۲۷.....	وثوق الدوله و دولت مقتدر.....
۲۸.....	كودتا.....
۳۳.....	فصل دوم: مطبوعات خلیفه استبداد منور.....
۳۵.....	مطبوعات آلمان.....
۳۵.....	مجله كاوه.....
۳۹.....	ایران‌شهر.....
۴۳.....	نامه فرنگستان.....
۴۶.....	رستاخیز.....
۵۳.....	مطبوعات ایران.....
۵۳.....	شفق سرخ.....
۵۹.....	مرد آزاد.....
۶۴.....	مجله آینده.....
۶۷.....	فصل سوم: مطبوعات مخالف استبداد منور.....
۶۹.....	حقیقت.....
۷۹.....	اقتصاد ایران و کار.....
۸۵.....	نوبهار.....
۱۰۲.....	سیاست اسلامی.....
۱۰۵.....	روزنامه شهاب.....

۱۱۲	نسیم صبا
۱۱۸	قرن بیستم
۱۲۱	روزنامه سیاست
۱۲۴	طوفان
۱۳۳	فصل چهارم: نقد اندیشه استبداد منور
۱۳۶	انتخابات مجلس پنجم و مؤسسان
۱۴۰	خلع سلطنت
۱۴۸	دلایل حاکم شدن اندیشه استبداد منور
۱۵۴	سخن پایانی
۱۵۹	منابع و مآخذ
۱۸۱	نمایه

مقدمه

رویاری ایرانیان با تمدن جدید غرب که جدی‌ترین آن جنگ‌های ایران و روس بود ساختارهای سنتی ایران را با چالش‌های عظیم مواجه کرد. کشور با مسائلی روبرو شد که در تاریخ آن سابقه نداشت. از همه آن زمان‌نخبگان و گروه‌های مختلف جامعه در صدد پاسخگویی به این بحران‌ها افتادند. تلاش برای رویاری با این تمدن و نحوه اخذ آن منجر به فراهم آمدن رویکردها و جریانات فراوان در جامعه شد. اصلاحات عباس میرزا، امیرکبیر و سپهسالار پادشاه ایران حاکم بود که در صدد توسعه از بالا بودند؛ اما با ناکام ماندن این اصلاحات و سایر عوامل دیگر انقلاب مشروطه رخ داد. این انقلاب سعی کرد پاسخی متناسب با این مسائل و بحران‌ها ارائه دهد. با استقرار حکومت مشروطه تلاش برای برپایی حکومت و استقرار آغاز شد، اما از همان ابتدا این انقلاب با بحران‌هایی مواجه شد که هم عوامل داخلی و هم عوامل خارجی در آن نقش داشتند. این بحران‌ها مانع برقراری حکومت مقتدر و مرکزی شدند. با اولتیماتوم روسیه در مجلس دوم بحث ضرورت تشکیل حکومت مقتدر و متمرکز توسط وثوق‌الدوله مطرح شد و در سراسر دوران سه‌ساله نیابت ناصرالملک برای برپایی چنین حکومتی تلاش‌هایی صورت گرفت. با آغاز جنگ جهانی اول و بحران‌هایی که حاصل این جنگ بود گروهی از نخبگان و جریانات سیاسی جامعه راه پایان دادن به این بحران‌ها را ظهور حکومتی مستبد و مقتدر

دانستند. در دوره دوم وثوق‌الدوله تا حدودی به این هدف جامه عمل پوشانده شد اما با برکناری وثوق‌الدوله ناکام ماند. به همین دلیل مطبوعات این جریان سعی کردند ضمن ناکارآمد دانستن نظام مشروطه و خطر تجزیه ایران، زمینه را برای روی کار آمدن چنین دیکتاتوری فراهم آورند؛ اما بخش اعظم جریان‌های سیاسی جامعه کماکان به نظام مشروطه و آرمان‌های آن وفادار ماندند. البته این به معنای مخالفت با حکومت مقتدر و مرکزی نبود بلکه آن‌ها در عین حال که از اقتدار و تمرکز حکومت حمایت می‌کردند مخالف استبداد و دیکتاتوری بودند و این مسائل را در مطبوعات ارگان‌های خود انعکاس دادند. هرچند که جریان حامی استبداد منور توانست با قدرت‌گیری رضاخان جایگاه خود را تثبیت کند و به گفتار غالب نوسانی تبدیل شود. از آنجایی که مطبوعات در این دوران بازتاب دهنده فضای حاکم بر کشور و محل جامعه بودند و نمایندگان دو جریان مذکور در این حوزه بسیار فعال بودند، برای ناگزیر به شناخت آن‌ها هستیم.

مفاهیم تحقیر

استبداد منور:

مفهومی است که برخی از نویسندگان قرن هجدهم مانند ولتر و دیدرو برای فرمانروایانی چون پطر کبیر، فردریک کبیر، کاترین کبیر به کار بردند. در این نوع نظام سیاسی تنها راه اصلاح جامعه روی کار آمدن حاکم مقتدر و مستبد است. استبداد منور گفتاری است که توسعه و رشد اقتصادی، مقدم بر دموکراسی و مشارکت مردم می‌داند و به کارایی نخبگان در رسیدن به نوسانی آمرانه و از بالا اعتقاد دارد. مراد از این نوع حکومت آن است که قدرت، ملوک، اید در دست روشنفکرانی قرار بگیرد که با ایده‌های فلسفی خود جامعه را در جهت خیر و سعادت راهنمایی کنند. آشوری از آن به عنوان دسپوتیسم روشنفکران یاد می‌کند.^۱ در این شکل از حکومت، تنها شاه، با قدرت فزاینده خود و با الهام گرفتن از ذهن روشن خود، می‌توانست تساهل و عدالت را بسط دهد. بر اساس این دیدگاه، رشد

۱. داریوش آشوری، کریم امامی، حسین معصومی، فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات مروارید،

علم و هنر و تساهل نتیجه تکامل مستمر و خود به خودی بشریت نیست، بلکه نتیجه یک فرمانروایی بزرگ و یک حکومت خوب است.

اقتدار و اقتدارگرایی:

اقتدار یا اتوریته به فرد یا مقامی نسبت داده می‌شود که می‌تواند به فرد تحت اقتدار دستوری بدهد و توانایی اعمال نفوذ و قدرت دارد. البته اقتدار بنا بر تقسیم‌بندی وبر دارای چند شکل مختلف است. ۱- اقتدار سنتی ۲- اقتدار کاریزماتیک ۳- اقتدار مشروع و قانونی. البته باید بین مفهوم استبداد و مفهوم اقتدار تمایز قائل شد. اقتدارگرایی عقیده‌ای در حکومت از بالا است و در آن قدرت سیاسی بدون رضایت جامعه بر آن تحمیل می‌شود؛ بنابراین مفهومی متفاوت از اقتدار است. اقتدار مبتنی بر مشروعیت است و قدرت از پایین سرچشمه می‌گیرد.^۱

استبداد: مراد از آن نهاد سیاسی است که دارای مشخصات زیر باشد. ۱- نبودن حدود سنتی یا قانونی برای قدرت دولت. ۲- وسعت دامنه قدرتی که عملاً به کار برده می‌شود.^۲

پژوهش حاضر از یک مدخل و چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول زمینه‌های تاریخی پیدایش نظریه استبداد منور مورد بررسی قرار گرفته است و در این بین روزنامه آفتاب و دوران نیابت ناصرالدین قاجار مورد تأکید قرار می‌گیرد. همچنین به‌طور مختصر به تاریخ سیاسی ایران از اندلس تا کودتای ۱۲۹۹ پرداخته شده است. فصل دوم به بررسی مطبوعات سیاسی استبداد منور اختصاص دارد. در این فصل مطبوعات منتشر شده در آلمان، مصر، ایران، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته می‌شود. مواضع آن‌ها در قبال استبداد منور، رضاخان و خلع سلطنت بررسی می‌شود. در فصل سوم مطبوعات مخالف استبداد منور مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از پرداختن به این موضوع، ارزیابی عملکرد آن‌ها در قبال استبداد منور، نظام مشروطه و قدرت‌گیری رضاخان می‌باشد. فصل چهارم

۱. اندرو هیوود، مفاهیم کلیدی علم سیاست، ترجمه عباس کاردان، سعید کلاهی خیابان، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۰.

۲. آشوری، پیشین، ص ۴۵.

به نقد مطبوعات این دوره و نقد اندیشه استبداد منور اختصاص داده شده است. در این فصل تأکید بر روی انتخابات مجلس پنجم، مؤسسان و ماجرای خلع سلطنت هست. همچنین تجدد آمرانه به عنوان یکی از اشکال توسعه جوامع مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

در پایان نگارنده بر خود لازم می‌داند از زحمات و راهنمایی‌های دو استاد بزرگوار تشکر و قدردانی نماید. دکتر سهراب یزدانی مقدم و دکتر کریم سلیمانی دهکردی که بدون همراهی و همکاری آن‌ها انجام این پژوهش میسر نمی‌شد.

حسن رجبی فرد

خرداد ۹۷